



4

Vol. 6
Winter 2025

Research Paper

Received:
09 March 2025
Revised:
01 October 2025
Accepted:
24 November 2025
Published:
22 December 2025
P.P: 189-210

ISSN: 2717-3674
E-ISSN: 2717-3666



The synthesis of scenario analysis and the goals ahead for aligned actors in the West Asia regional security environment in the coming decade (Iran and Iraq 2025–2035)

Sabah Jaber*¹ | Hamid Reza Saeedyneshad² | Shahram Fatahi³

Abstract

One of the main topics that has drawn the attention of the majority of analysts from the perspective of strategic studies is the analysis of the conditions, status, and environmental context (security-defensive) of the two countries of Iran and Iraq as two effective agents in the West Asia regional security system, due to the overlap of their interests and objectives in the regional environment and under the structure of the international system in the coming decade. The present research is framed from a Futures Studies perspective, specifically Applied Futures Studies, employing the Scenario Writing method, in a qualitative manner with a descriptive-analytical approach. In the Futures Studies methodology, establishing a fixed hypothesis is not common; therefore, after designing and analyzing the proposed scenarios and examining their ambiguous and hidden dimensions, we will arrive at the conclusions and findings. In the dimension of the regional security environment, the research findings indicate that the Islamic Republic of Iran, considering its interests, components, and regional standing, has designed its ultimate and final objective—through designing different strategies and tactics—to eliminate regional and international rivals and achieve regional power and hegemony (implementing Scenario Two). However, Iraq, considering its interests, existing components, and position, has designed its ultimate and final objective toward a participatory model and a degree of power balancing (the scenario of a cohesive and somewhat federal Iraq).

Keywords: Futures Studies, Scenario Planning, Regional Security Balance, Balance of Power, Regional Hegemon.

1. Corresponding Author: PhD student in Political Science (Iranian Issues Orientation), Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Email: sabahjaber1999@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Cite this Paper: Jaber, S & Saeedyneshad, H.R & Fatahi, Sh(2025). Future study of the environmental situation (security-defense) of the two countries Iran and Iraq in the regional security system of West Asia (2025-2035). *Future Studies of the Islamic Revolution*, 4(6), 189-210.

Publisher: Imam Hussein University

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)(CC BY 4.0)





۴

دوره ششم
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱
صص: ۲۱۰-۱۸۹

شابا چاپی: ۳۶۷۴-۲۷۱۷
الکترونیکی: ۳۶۶۶-۲۷۱۷



آینده پژوهی وضعیت محیطی (امنیتی - دفاعی) دو کشور ایران و عراق در نظام امنیت منطقه ای غرب آسیا (۲۰۳۵ - ۲۰۲۵)

صبح جابر^{۱*} | حمید رضا سعیدی نژاد^۲ | شهرام فتاحی^۳

چکیده

یکی از اصلی ترین موضوعاتی که از منظر مطالعات استراتژیک توجه قاطبه تحلیل گران را معطوف به خود نموده است؛ تحلیل شرایط، جایگاه و وضعیت محیطی (امنیتی - دفاعی) دو کشور ایران و عراق به عنوان دو کارگزار مؤثر در نظام امنیت منطقه ای غرب آسیا به خاطر هم پوشانی منافع و اهداف خود در محیط منطقه ای و در ذیل ساختار نظام بین الملل در دهه پیش روی خواهد بود. پژوهش حاضر با نگاهی آینده پژوهانه از نوع آینده پژوهی کاربردی با روش سناریونویسی به شیوه کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین و طراحی شده است. در روش آینده پژوهی ترسیم فرضیه ثابت رایج نیست؛ فلذا بعد از طراحی و تحلیل سناریوهای مطرح شده و بررسی زوایای مبهم و پنهان سناریوها به نتایج و یافته ها خواهیم رسید. در بُعد محیط امنیت نظام منطقه ای، یافته های پژوهش نشان می دهند که جمهوری اسلامی ایران هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه ها و جایگاهی که در منطقه دارد با طراحی استراتژی و راهبردهای متفاوت در پی حذف رقبای منطقه ای و بین المللی و رسیدن به قدرت و هژمون منطقه ای (اجرای سناریوی دوم) طراحی نموده است. اما عراق هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه های موجود و جایگاه خود در پی الگوی مشارکتی و تا حدودی توازن قدرت (سناریوی عراق منسجم و تا حدودی فدرالیسم) طراحی نموده است.

کلیدواژه ها: آینده پژوهی، سناریوسازی، امنیت نظام منطقه ای، موازنه قدرت، هژمون منطقه ای.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی (گرایش مسایل ایران)، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Email: sabahjaber1999@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

استناد: جابر، صبح و سعیدی نژاد، حمید رضا و فتاحی، شهرام (۱۴۰۴). آینده پژوهی وضعیت محیطی (امنیتی - دفاعی) دو کشور ایران و عراق در نظام امنیت منطقه ای غرب آسیا (۲۰۳۵ - ۲۰۲۵). *نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، ۴(۶)، ۲۱۰-۱۸۹.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسنده (گان) حق تکثیر و کلیه حقوق انتشار را برای خود محفوظ می دارند.



OPEN ACCESS

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

محیط راهبردی و منطقه ای غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و شرایط خاص خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته تاکنون و در آینده محسوب می شود. دو واژه ای امنیت و انرژی موضوعات کلیدی در این منطقه بوده و ترتیبات امنیتی - اقتصادی در محیط راهبردی منطقه ای غرب آسیا از دیرباز مورد توجه و طمع بازیگران منطقه ای و بین المللی قرار داشته است (کشیشیان سیرکی، ۱۴۰۳: ۲). ایران و عراق به عنوان دو بازیگر کلیدی و راهبردی که دارای منافع و اهداف متضاد هستند؛ در منطقه امنیتی غرب آسیا روابط متقابل بین دو کشور همواره و از دیرباز و در طول سالیان مختلف دارای اهمیت قابل توجهی بوده است و در جنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای سنخیت و ارتباط می باشند. سرنوشتی رژیم بعث در عراق و بروز تحولات جدید در آن (قدرت شیعیان در عراق) که منجر به تغییر ماهیت و ویژگی ها جدید در ساخت قدرت و سیاست عراق گردید را می توان نقطه عطفی در روابط ایران و عراق معرفی کرد (Barbara, 2023). امنیت در عصر آشوب و در محیط منطقه ای آشوب زار، دامنه ای گسترده ای از مفاهیم یعنی از سیالیت تهدیدات تا ادراکات هر بازیگر از وضع کنونی که به بالا بردن سطوح دفاعی خود مجبور شده است را در برمی گیرد. این وضعیت برای بازیگرانی همچون ایران و عراق که در شبکه منطقه ای آشوبی زیست می کنند به مراتب پیچیده تر نیز می باشد. مسیر پرفراز و نشیب تحولات امنیت در طول تاریخ به وضوح نمایان است و این مسیر به خصوص برای این دو کشور به علت موقعیت های جغرافیایی، دگرگونی های بیشتری را نیز به خود دیده است (موسوی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۱۹۱).

هدف غایی و نهایی هر بازیگری در محیط بین الملل این است که از جنبه های مختلف به امنیت ملی و منطقه ای توجه داشته باشد و همچنین برای تحصیل و شکل گیری امنیت ملی خود ناگزیر است که امنیت ملی خود را به امنیت منطقه ای و محیط بین الملل پیوند دهد. شرایط محیطی جنگ های آینده در منطقه غرب آسیا و وضعیت دو کشور ایران و عراق در این محیط و بازنمایی و شبیه سازی این تئوری می تواند گامی مؤثر در تحلیل وضعیت محیطی این منطقه و بازیگری دو کشور ایران و عراق در این محیط منطقه ای باشد. نوآوری در بازنمایی وضعیت محیطی،

آینده پژوهی بازنمایی شرایط محیطی در دهه آینده و تحلیل وضعیت منطقه‌ی غرب آسیا، تخیلی است که ممکن است شرایط شبیه آن در آینده نمایان و به وقوع بپیوندد. یکی روش‌های پژوهش آینده سناریونویسی و سناریوسازی است. این روش با نگاهی خطی جنبه‌هایی از آینده و مسیرهای منتهی از حال به آینده را به تصویر خواهد کشید؛ لذا در این روش مجموعه‌ای از سناریوهای طراحی شده می‌توانند محدوده قابل توجهی از احتمالات آینده را به تصویر بکشند. دو کشور ایران و عراق بعد از سقوط صدام و رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ میلادی با توجه به مؤلفه‌ها و اشتراکات مختلفی که در محیط امنیتی غرب آسیا داشته‌اند، دارای همسویی و ارتباط محیطی جامعی باهم می‌باشند. به تصویر کشیدن و آینده پژوهی تحلیل وضعیت و جایگاه محیطی این دو کشور در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا که همواره جولانگاه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای برای پیشبرد اهداف و منافع ملی و بین‌المللی بوده، مسئله‌ای است که پژوهش حاضر با روش مشخص به تحلیل و واکاوی آن پرداخته است. پژوهش حاضر با نگاهی آینده‌پژوهانه از نوع آینده پژوهی کاربردی با روش سناریونویسی به شیوه کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی تدوین و طراحی شده است. سؤال پژوهش حاضر این است که جایگاه وضعیت محیط دفاعی - امنیتی دو کشور ایران و عراق بعنوان همسایگان راهبردی با اهداف متضاد در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش رو، به کدام سمت و سوی سوق پیدا خواهد کرد؟ هرچند وضعیت محیطی و جایگاه دو کشور ایران و عراق در نظام امنیت منطقه‌ای در دهه پیش رو، متفاوت از هم خواهد بود؛ زیرا استراتژی و اهداف طراحی شده دو کشور متفاوت و متضاد است. هدف از طرح این پژوهش شناسایی وضعیت و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در محیط نظام امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش رو می‌باشد. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز در آن است که تئوری پردازان و تحلیل‌گران در حوزه آینده پژوهی و سیاست خارجی، آینده محیط امنیتی نظام منطقه‌ای غرب آسیا و جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق را بیشتر و بهتر بشناسند تا با تأسی از پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، برنامه‌ای جامع و مدون ترسیم نمایند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش

بعد از بررسی و تحلیل ادبیات موجود داخلی و خارجی در زمینه موضوع مورد بحث، به صورت مستقیم منبعی یافت نشد اما در ادامه چند اثر را که با موضوع دارای سنخیت بیشتری هستند را به صورت خلاصه تحلیل می نماییم:

نگارندگان، سال چاپ پژوهش	موضوع پژوهش	خلاصه نتایج و یافته های پژوهش
خزلی و شاه محمدی (۱۴۰۳)	سناریوهای آینده نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در افق ۱۴۰۵	به دلیل محیط امنیتی و نظم منطقه ای در غرب آسیا و تهدیدهای بی شمار و روزافزون در این منطقه، امنیت همه این کشورها به هم گره خورده است. بر همین اساس طراحی سناریوهای مطلوب و موجود جمهوری اسلامی ایران برای آینده بر کل منطقه تأثیرگذار خواهد بود.
موسوی و قاسمی (۱۴۰۳)	جنگ های شبکه ای و بازدارندگی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران	تغییر و تحول تکنولوژی های نوظهور انجمن که در جنگ های آینده تغییرات ایجاد می کند، استراتژی بازدارندگی را نیز دچار تحول می نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز ناگزیر از این تحول خواهد بود. که این تحولات در راستای استراتژی مورد نظر و بر مبنای هزینه - فایده قابل تحلیل خواهد بود.
علی یاری و رنجبر (۱۴۰۳)	راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه)	مشکلات موجود در منطقه پر آشوب خاورمیانه سبب برجسته سازی نقش ایران در این منطقه شده است اما به رغم مخالفت قدرت های بزرگ همچون ایالات متحده در این منطقه، جمهوری اسلامی ایران راهبردی منطقی و هوشمندانه با کشورهای منطقه در مسئله بحران های موجود در این منطقه داشته است.
نورمحمدی و دمیرچی (۱۴۰۳)	عمل گرایی در سیاست خارجی عراق (۲۰۲۳ - ۲۰۰۵): ویژگی ها و پیامدها	اهداف، منافع و استراتژی عراق در سالهای مورد نظر بر اساس عمل گرایی کوچک و در راستای حفظ بقای نظام ترسیم شده است. در حوزه سیاست خارجی نیز این کشور استراتژی توازن قوا در میان قدرت های منطقه ای و بین المللی را دنبال نموده است.
لیام اندرسون و گرت استنسفیلد (۲۰۱۴)	آینده عراق: دیکتاتوری، دموکراسی یا تجزیه؟	با توجه به آمال و اهداف هر کدام از گروه های عراقی، پیش بینی هایی را در مورد چالش ها و یا همکاری های این گروه ها با یکدیگر در

نگارندگان، سال چاپ پژوهش	موضوع پژوهش	خلاصه نتایج و یافته‌های پژوهش
		حکومت آینده عراق انجام داده‌اند و عمده بحث آن‌ها چالش‌های دموکراسی در عراق آینده است.
دیسوی جولین بارنز ^۱ (۲۰۲۴)	فراتر از نیروهای نیابتی: استراتژی عمیق‌تر ایران در سوریه و لبنان	محور مقاومت یک قدرت و بازیگر واحد است که درصدد تقویت همگرایی و قدرت خود در محور تحت نفوذ می‌باشد و در این راستا کمک‌های جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان تأمین‌کننده و مبدأ محور مقاومت در اختیار دارد.
اسلاوین باربارا ^۲ (۲۰۲۳)	جمهوری اسلامی ایران همچنان قدرت اصلی خارجی در عراق است	هم‌گرایی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق در ایجاد تنش‌های سیاسی و گروه‌های تکفیری میزان همکاری خود را به میزان قابل توجهی افزایش داده و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر غرب آسیا در این پژوهش معرفی شده است.
پیتر گالبرایت ^۳ (۲۰۱۳)	پایان عراق: چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟	آمریکا که در زمان کوتاهی توانست عراق را به اشغال خود درآورد، برای دوران پس از اشغال هیچ برنامه‌ای نداشت. این نویسنده به‌عنوان نتیجه بحث خود بیان می‌کند که تجزیه عراق به سه کشور بهترین گزینه برای آینده عراق است.

با بررسی ادبیات موجود در زمینه‌ی موضوع مورد نظر نگارنده و تحلیل چند نمونه از این موارد درمی‌یابیم که موارد ذکر شده به تحلیل و واکاوی عواملی همچون: نظم منطقه‌ای غرب آسیا، سازمان پیمان دفاعی کشورهای غرب آسیا، تأثیر نفوذ عراق در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس، جریان‌ات تحول‌ساز و قدرتمند در تحولات سیاسی عراق بعد از سال ۲۰۰۳ میلادی، نظم منطقه‌ای در خاورمیانه و کنشگری قدرت‌های منطقه‌ای، روابط ایران و کشورهای عربی به ویژه کشور عراق در حل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای، نفوذ سیاسی و امنیتی ایران در عراق و نقش و بازیگری ایران در تحولات غرب آسیا، تحلیل و بررسی شده‌اند. حال جنبه‌ی نوآوری پژوهش حاضر در این است که نگارنده با نگاهی متفاوت به موضوع مورد نظر با روش و دیدگاهی آینده‌پژوهانه و چارچوب نظری مشخص (روش سناریونویسی شوارتز) و با اعمال تغییراتی در طراحی سناریوها، وضعیت محیطی دو کشور و قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا (ایران و عراق) به

1 Deice Jollean Barends

2 Eslavean Barbara

3 Petear gallberayte

عنوان همسایگان راهبردی با منافع و اهداف متعارض را به صورت هم زمان مورد تحلیل و واکاوی قرار داده و تمام سناریوهای پیش روی دو کشور در دهه آینده (۲۰۳۵ - ۲۰۲۵ میلادی) در مورد وضعیت محیطی و جنگ های آینده در غرب آسیا را تحلیل و بررسی نموده است.

چارچوب نظری

امنیت و نظم منطقه ای

باری بوزان^۱ به عنوان نماینده اصلی امنیت و نظم منطقه ای (مکتب کپنهاگ)، بر این باور است که امنیت منطقه ای به امنیت ملی و بین المللی معنا و مفهوم می بخشد؛ بنابراین هدف غایی سیاست خارجی هر بازیگری در محیط بین الملل در این است که از جنبه های مختلف به امنیت ملی و منطقه ای توجه داشته باشد و برای تحصیل و شکل گیری امنیت ملی خود نیز ناگزیر می باشد که امنیت ملی خود را به امنیت منطقه ای پیوند دهد (Bouzan, 1991). بوزان و ویور در کتاب مشترکشان با عنوان «مناطق و قدرت ها» که در سال ۲۰۰۳ میلادی منتشر شد، معتقدند که امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نبوده است و همچنین نمی توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود و از طرفی دیگر سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورها می باشد. این دو معتقدند برای جلوگیری از گسترده شدن تعریف امنیت، باید سلسله مراتبی از سطوح تحلیل در درون نظام بین الملل را مدنظر قرارداد که هر یک از آنها قابل دوام، مهم و حاوی ویژگی هایی خاصی باشند که آنها را از لحاظ امنیتی خودبسنده کند (Bouzan and Vaio, 2003). از دیدگاه بوزان و ویور عوامل شکل گیری نظم های منطقه ای: وابستگی متقابل امنیتی (شبکه ای از تعاملات بین اعضا در یک مجموعه)، وجود الگوهای دوستی و دشمنی (وجود اختلافات مختلف)، مجاورت جغرافیایی (داشتن مرز مشترک میان اعضا) و وجود حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر در درون مجموعه هستند (غفاری هاشجین و نیکونهاد، ۱۴۰۱: ۱۱۳). بوزان اعتقاد دارد که در غرب آسیا با وجود مداخله مداوم قدرت های بزرگ، چند دهه میان تمام کشورهای منطقه یک نظام امنیتی مستقل منطقه ای شکل گرفته و امنیت منطقه ای غرب آسیا را تأمین کرده بود (Bouzan, 1991). بر این اساس آینده پژوهی نسبت به تحولات غرب آسیا برای جلوگیری از هرگونه چالش امنیتی، کمک به شناخت موانع همگرایی در این

1 Bary Bouzan

منطقه و شناسایی عوامل تأثیرگذار انجام می‌شود که نشان‌دهنده اهمیت تعیین سناریوهای مطلوب نظم منطقه‌ای غرب آسیا است (خزلی و شاه‌محمدی، ۱۴۰۳: ۵۶). بوزان در کتاب خود تحت عنوان (مردم، دولت‌ها و هراس) - به عنوان جامع‌ترین تحلیل نظری امنیت در روابط بین‌الملل - معتقد است که امنیت در سطح دولت شکل می‌گیرد، سطوح مختلف امنیت دارای آثار متقابل بر یکدیگرند و بین آن‌ها وابستگی متقابل جریان دارد. دلیل برتری این دیدگاه در این است که این تئوری اختصاصی کار بر روی موضوع امنیت منطقه‌ای و ابعاد آن را زمینه اصلی نظریه خود قرار داده است (Bouzan, 1998)؛ فلذا در جنگ‌های آینده بازنمایی‌ها می‌توانند معطوف به رویدادهای تاریخی باشند اما عمده نوآوری در بازنمایی وضعیت محیطی و آینده‌پژوهی بازنمایی شرایط محیطی تخیلی است که ممکن است شرایط شبیه آن در آینده نمایان شود (احمدیان، ۱۴۰۳: ۱۸۲). خلق ایده، آینده موزون و سوق دادن نگرش‌ها به سمت پذیرش تغییر می‌توانند ویژگی‌ها آینده‌پژوهی را شکل دهند (ترزم پور، ۱۴۰۳: ۸۶). آینده‌پژوهی برای تحلیل وقایع و رویدادها از دو مسیر گام برمی‌دارد. مسیر اول از طریق بهره گرفتن از رویدادها و دانش گذشته و حال است که با تعیین چارچوب‌ها، الگوها و فرایندها به پیش‌بینی آینده می‌پردازد؛ این مسیر تنها با اتکا بر داده‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند سعی دارد که الگوی درست تغییر را بیابد و آنگاه آینده را درست پیش‌بینی نماید، مسیر دوم با نگاهی کیفی بر مقوله‌ی آینده‌پژوهی معتقد است که پیش‌بینی آینده عوامل متعددی را شامل می‌شود که شناخت آن‌ها به این سادگی امکان‌پذیر نیست (کریمی‌پور و رائیجی، ۱۴۰۲: ۳۲).

سناریونویسی

پژوهش حاضر با نگاهی متفاوت و آینده‌پژوهانه از نوع آینده‌پژوهی کاربردی، با روش سناریونویسی، به شیوه کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین و طراحی شده است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز بدین صورت بوده است که داده‌های مورد استفاده از طریق طراحی سناریوها و با استفاده از روش سناریونویسی شوارتز و تغییراتی با طرح سناریوها در مورد دو کشور ایران و عراق می‌باشند.

- سناریونویسی، سناریوسازی پتر شوارتز^۱: به عقیده شوارتز سناریوها ابزاری برای نظم بخشیدن به درک و تصور شخصی نسبت به محیط‌های بدیل آینده و دسته‌ای از روش‌های سازمان‌یافته جهت تصور و تخیل مؤثر درباره آینده و وسیله‌ای برای کمک به یادگیری افراد می‌باشند. (Showartez, 2007 : 227) هدف سناریوها گردآوری و تبدیل اطلاعات راهبردی مهم به ادراک جدید و نو است. در روش ابداعی شوارتز گام‌های مؤثر و ویژه‌ای برای طراحی سناریو پیش‌بینی شده که هدف غایی را ارائه سناریوهای بدیل درباره‌ی موضوع مورد پژوهش قرار می‌دهند. در این روش اولین گام شناسایی موضوع یا مسئله‌ی اصلی پژوهش است، گام دوم شناسایی عناصر ویژه و کلیدی است، گام بعدی شناسایی عوامل و پیشران‌های اصلی و عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی است و نهایتاً با شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی سناریوهای بدیل طراحی و نهایتاً این سناریوها پربار شده و عناصر آن‌ها مشخص می‌شوند (اسدی و راستگو، ۱۳۹۸ : ۱۵۳). سناریوسازی یکی از مهم‌ترین تکنیک‌ها در حوزه‌ی مطالعات آینده‌پژوهی می‌باشد. تکنیک سناریونویسی یعنی به تصویر کشاندن احتمالات آینده و تحلیل، بررسی و شناخت متغیرهای محیطی پیچیده‌ی آن موضوع بر اساس داده‌ها و ساختن مجموعه‌ای از باورها و داستان‌های توصیفی که هریک به بخش خاصی از آینده نظر و نگاه متفاوتی دارند (Showartez, 2007:219). بنابراین هدف یک سناریو، دستیابی به محتمل‌ترین آینده و یا محتمل‌ترین مسیر از میان راه‌های پیچیده نیست بلکه مجموعه‌ای از متغیرها، اتفاق‌ها، پویایی سیستم و پیامدهای آن است. در انتخاب یک سیاست درست برای رسیدن به هدف مهم تدوین سناریو گام نخست در آینده‌پژوهی است (میر حسینی و عیوضی، ۱۳۹۸ : ۱۴۹). بنابراین سناریونویسی جنبه‌هایی از آینده و مسیرهای منتهی از حال به آینده را به تصویر کشیده و در این روش مجموعه‌ای از سناریوها می‌توانند محدوده قابل قبولی از احتمالات آینده را نشان دهند؛ هرچند سناریوها می‌توانند تصورات پیچیده‌ای از آینده را نشان داده است اما احتمال فاصله گرفتن از واقعیات وجود دارد (میرزایی کهق، ۱۴۰۲ : ۳۷).

با توجه به چارچوب نظری مورد بحث در این پژوهش و با تغییراتی که ایجاد نمودیم، وضعیت محیطی (دفاعی - امنیتی) دو کشور ایران و عراق را در دهه پیش‌رو در ادامه بحث مورد

1 :Peiter Showartez

تحلیل قرار می‌دهیم؛ فلذا با توجه به منافع، پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه‌ی پیش رو، در ادامه بحث دو عدم قطعیت بحرانی یعنی دوگانگی و ضعف دولت مرکزی (تجزیه، فشار و تحریم) و یکپارچگی دولت مرکزی (هم‌سویی دیپلماسی و میدان) را مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهیم. در ادامه پژوهش سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از دو عدم قطعیت بحرانی شامل سناریوی تجزیه و سرنگونی و سناریوی رسیدن به قدرت و هژمون منطقه‌ای برای ایران می‌باشند. در مورد کشور عراق نیز با توجه به مؤلفه‌ها و پیشران‌های مؤثر دو عدم قطعیت بحرانی طراحی شد که شامل اقتدار دولت مرکزی (یکپارچگی) و ضعف و ازهم گسیختگی دولت مرکزی (منازعات قومی و ...) می‌باشند. در ادامه بحث نیز سناریوهای طراحی شده با استفاده از عدم قطعیت‌های موجود شامل سناریو تجزیه، سناریو فدرالیسم و سناریو عراق منسجم می‌باشند؛ فلذا با توجه به عدم قطعیت‌های بحرانی و سناریوهای طراحی شده در ادامه پژوهش و در قسمت تجزیه و تحلیل به واکاوی و تحلیل این داده‌ها و یافته‌های موجود خواهیم پرداخت.

روش‌شناسی پژوهش

پیشران‌های مؤثر دو کشور ایران و عراق در نظام امنیت منطقه‌ای: یک نظام امنیت منطقه‌ای دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی به وقوع می‌پیوندند و اعضای مجموعه نیز متشکل از کشورهایی هستند که به طور گسترده در این روابط حضوری مستمر دارند. وجود مجموعه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و قرابت جغرافیایی میان اعضای این واحدها، زیربنای اصلی شکل‌گیری یک نظام امنیتی را شکل می‌دهد و باعث تمایز آن با سایر مجموعه‌ها خواهد شد. برخی از ویژگی‌ها نظام منطقه‌ای را می‌توان این گونه برشمرد؛ نزدیکی جغرافیایی، وجود الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌های عضو وجود وابستگی متقابل میان اعضا، احساس تهدید و ترس متقابل میان دو یا چند کشور قدرتمند درون مجموعه، مسئله همبستگی‌های نژادی و قومی و فرهنگی و عوامل اقتصادی (علی‌یاری و رنجبر، ۱۴۰۳: ۹).

جمهوری اسلامی ایران

پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا به صورت خلاصه در برخورداری از موقعیت تاریخی - تمدنی (دارای تاریخ و تمدن چند هزارساله)، موقعیت ژئوپلیتیک (دارای جغرافیای سرزمینی سوق‌الجیشی و بری و بحری)، موقعیت ژئواستراتژیک (دارای تنگه‌ی استراتژیک و منابع زیرزمینی و معدنی ویژه)، موقعیت سیاسی - امنیتی (دارای نظام سیاسی یکپارچه و همگون و جایگاه امنیتی خاص در منطقه)، محور نفوذ منطقه‌ای (ترسیم محور نفوذ و کمر بند امنیتی ویژه دور مرزهای جغرافیایی خود) (Barenz, 2024)، فناوری‌های نوین امنیتی و نظامی (داشتن فناوری‌های نظامی و دفاعی برتر در محیط منطقه‌ای) خلاصه می‌شود. این مؤلفه‌ها در نظام امنیت منطقه‌ای به گونه‌ای ترکیب شده‌اند که باید سیاست خارجی ایران در محیط امنیتی غرب آسیا ترکیبی از راهبردهای امنیتی - سیاسی، ژئوپلیتیکی - جغرافیایی، فرهنگی - تاریخی باشد تا منافع ملی و منطقه‌ای این کشور در محیط نظام منطقه‌ای تأمین شود (محمدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۴۵).

عدم قطعیت و سناریوهای پیش روی ایران در محیط نظام امنیت منطقه‌ای در دهه آینده

بعد از بررسی پیشران‌ها بر اساس دو مقوله‌ی اهمیت و عدم قطعیت، حال نوبت به شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی است؛ چرا که سناریوها از ترکیب پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی ساخته می‌شوند. عدم قطعیت‌ها بنا به تعریفی که دارند عواملی هستند که در مورد آن‌ها علامت سؤال‌های عمده‌ای وجود دارد و با بی‌ثباتی، ابهام و عدم اطمینان همراه می‌باشند. در مورد جایگاه ایران و نظام امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا در شرایط محیطی جنگ‌های دهه پیش رو می‌توان مؤلفه‌های تأثیرگذاری همچون جایگاه محیط داخلی و دولت مرکزی (حوزه سیاست خارجی)، محیط منطقه‌ای (قدرت‌های منطقه‌ای) و فرامنطقه‌ای (قدرت‌های بزرگ) و همچنین برآورد امکانات و استراتژی، می‌توان تصویری از سناریوی جنگ‌های یک دهه آینده برای ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا ترسیم نمود؛ بنابراین از برآیند خواسته‌ها، اهداف، منافع و جایگاه سه سطح تحلیل (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) که در حوزه استراتژی منطقه‌ای ایران دخیل هستند و با

توجه به مطالعات صورت گرفته به دو عدم قطعیت اصلی برای آینده می‌رسیم که در تعیین استراتژی این کشور در مورد جنگ‌های آینده تأثیرگذارند.

این دو عدم قطعیت اصلی که به مثابه عوامل تعیین‌کننده آینده استراتژی ایران در محیط امنیت منطقه‌ای شناسایی شده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. دولت منسجم: اقتدار و همسوی محیط داخلی یعنی حوزه سیاست خارجی (دولت) و محیط امنیتی - دفاعی (فناوری‌های امنیتی - نظامی) که می‌شود همسویی دیپلماسی با میدان.
۲. ضعف دوگانگی دولت و محیط داخلی و بین‌المللی (تضعیف و تجزیه داخلی): سیاست‌های دولت مرکزی برای نابسامانی وضعیت اقتصادی شکننده در محیط داخلی (فشارهای تحریمی قدرت‌های فرامنطقه‌ای با همکاری رقبای منطقه برای عقب راندن ایران از محیط) و بعضاً منازعات قومی-مذهبی که ناشی از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی است که این عدم قطعیت نیز موجب عقب‌نشینی ایران در محیط منطقه‌ای برای سروسامان دادن به وضعیت داخلی و تضعیف جایگاه محیطی این کشور خواهد شد (فرهادی و متقی، ۱۴۰۳: ۲۴۰).

الف) سناریوی تضعیف و تجزیه و سرنوشت داخلی (اهرم فشار و تحریم):

توضیحات بالا این سناریو در راستای عدم قطعیت مورد دوم قابل تحقق خواهد بود. مؤلفه‌های اصلی این سناریو فشارهای بیش از حد دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با تحریم‌های اقتصادی و امنیتی فلج‌کننده و بالا گرفتن منازعات سیاسی، قومی و مذهبی و رشد شدید فقر در جامعه و... می‌باشند. در این سناریو دولت مرکزی به تدریج قدرت و مشروعیت خود را از دست می‌دهد و توان اداره امور و مدیریت بحران‌های داخلی و حتی بین‌المللی را ندارد. از مهم‌ترین مشخصه‌های مرتبط در این سناریو عبارت است از بحران سیاسی و فقدان هرگونه همکاری و هماهنگی بین پیشران‌های مؤثر برای تشکیل دولت مقتدر و فراگیر، تشدید فرقه‌گرایی سیاسی و سازمان‌دهی احزاب بر اساس پایگاه قومی و مذهبی، کاهش توان نظامی دولت مرکزی و افزایش توان و نقش گروه‌های شبه‌نظامی، شکل‌گیری بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی (رشد خط فقر) و تأمین نیازهای اقتصادی شهروندان. بنابراین در این سناریو ضمن تشدید و تقویت هویت و گرایش‌های جدایی‌طلبی قومی-مذهبی و فرقه‌ای، درگیری‌ها و منازعات بین گروه‌های قومی و مذهبی با هم‌دیگر و دولت مرکزی افزایش می‌یابد و هویت ملی بسیار تضعیف می‌شود؛

لذا نظام سیاسی در این شرایط یا به سمت کودتا و سرنگونی خواهد رفت یا در اثر منازعات داخلی در خوش بینانه ترین حالت نظام سیاسی فدرالیسم جای گزین خواهد شد. همان طور که در جنگ دوازده روزه ماه ژوئن ۲۰۲۵ میلادی مشاهده شد که دشمن (اسرائیل با همکاری و هم دستی متحدانش از جمله آمریکا) با استفاده از نفوذ داخلی و فشار بیرونی در صدد دوگانگی داخلی و تجزیه و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی برآمد.

(ب) سناریوی همسویی دیپلماسی و میدان در منطقه و محیط بین الملل (هژمون و قدرت برتر منطقه ای): این سناریو در راستای عدم قطعیت مورد اول قابل تحقق خواهد بود. مؤلفه های اصلی این سناریو موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئو کالچر و همچنین جایگاه منطقه ای این می باشند. بالا بردن توان نظامی - امنیتی با به روز بودن و دستیابی به تکنولوژی های نوین در این زمینه، استراتژی سیاست خارجی ایران در محیط امنیتی منطقه غرب آسیا را در سطح بالا و برتر قرار می دهد. ایران در صورت بهبود و روبرو نشدن با عدم قطعیت دوم که در سناریوی اول ذکر شد با حفظ موقعیت، محور نفوذ و جایگاهی که دارد، می تواند این سناریو را قابل تحقق نماید. ایران برای تحقق آرزوی دیرینه خود که همانا رسیدن به هژمون منطقه ای است و از گذشته نیز برای تحقق این استراتژی برنامه های مدون و منسجمی داشته است که ناگزیر علاوه برداشتن رقابتی فرامنطقه ای (قدرت های بزرگ) بایستی با قدرت های منطقه ای از جمله ترکیه و عربستان (این دو کشور نیز مؤلفه های هژمون منطقه ای را دارا هستند) نیز رقابت داشته باشد. ایران علاوه بر پیشران های مؤثری که در اختیار دارد بایستی در راستای تحقق استراتژی منطقه ای خود ناگزیر به سمت همسویی دیپلماسی با میدان برود؛ چون هر یک از این ها به تنهایی نمی توانند که به تحقق اهداف و منافع ملی و منطقه ای و حتی بین المللی ایران جامه عمل بپوشانند. برای تحقق این سناریو بایستی ایران اولاً در محیط داخلی به یک هم سویی هم صدایی و همیت جمعی (عدم بحث بر سر برتری دیپلماسی یا میدان) برسد. سپس دیپلماسی را محیط منطقه ای و منطقه گرایی پیش برد و در نهایت دیپلماسی را در سیستم بین الملل دنبال نماید. علاوه بر دیپلماسی در میدان نیز با تجهیز خود به فناوری های نوظهور و تکنولوژی های نوین دفاعی - نظامی در محیط امنیت منطقه ای دست برتر را داشته باشد. بنابر این ایران با توجه به مؤلفه ها و استراتژی که در محیط امنیت منطقه ای برای خود ترسیم نموده و هدف نهایی و غایی خود همواره رسیدن به این سناریو یعنی هژمون منطقه ای

بوده است. در توضیح این سناریو بایستی گفت که همان‌طور که در جنگ بین ایران و اسرائیل (در ماه ژوئن ۲۰۲۵ میلادی) مشاهده نمودیم با پاسخ همزمان و تاثیر همزمان دیپلماسی و میدان در محیط منطقه ای بخوبی نمایان شد. جمهوری اسلامی ایران همزمان با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک خود و استفاده از ابزار فناوری نظامی و موشکی - پهبادی خود (میدان) بر فضای نبرد تاثیر گذاشت و همزمان نیز با استفاده از ابزار مذاکره (دیپلماسی) در منطقه امنیتی نگذاشت که زمین بازی به نفع دشمن تغییر کند.

۲. عراق: پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار عراق در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در برخورداری از موقعیت تاریخی - تمدنی، موقعیت ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواستراتژیک، منابع زیرزمینی و معدنی، داشتن ارتباط مؤثر با قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، ویژگی‌ها محیط داخلی (شیعیان، اکراد، بازیگران منطقه‌ای و بازیگران فرمانطقه‌ای) و تورسم‌پروری مذهبی خلاصه می‌شود (الرواشدی، ۲۰۱۲)؛ این مؤلفه‌ها تا حدودی به پیشبرد اهداف کشور عراق در محیط امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا تأثیر گذارند.

پیشران‌های مؤثر بر آینده عراق در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا

(الف) گروه‌های شیعی: جامعه شیعی عراق را می‌توان اصلی‌ترین بخش حامی عراق یکپارچه دانست. علی‌رغم تلاش احزاب کردی برای جدایی و تقویت گرایش‌های مرکزگریزی در کردها، شیعیان با تسلط بر ساختارهای قدرت در دولت مرکزی نیروی اصلی حفظ عراق واحد و مقابله با تمرکززدایی بوده‌اند. دو عامل اساسی در این باره را می‌توان شامل اکثریت جمعیتی شیعی و قرار گرفتن شیعیان در رأس هرم نظام سیاسی دانست (الزبیدی، ۱۳۹۵).

(ب) کردها: تاکنون کردها بیشترین تمایلات جدایی طلبانه را در محیط سیاسی عراق از خود بروز داده‌اند و به‌عنوان نیروی اصلی پیش برنده جریان تجزیه عراق محسوب می‌گردند. دو جریان اصلی و سنتی کردی در عراق شامل حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی از دهه‌های گذشته گرایشی جدی به خودمختاری داشته و این موضوع در مرام‌نامه این احزاب و رفتارهای آنها ظهور و بروز یافته است. کردها دارای عناصر فرهنگی و هویتی خاصی بوده که آنها را از این حیث نسبت به سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد. به لحاظ فرهنگی و هویتی بین فرهنگ کردستان و فرهنگ

عربی عراق نوعی استقلال و تمایز اساسی وجود دارد. بررسی رویکردهای مرتبط با کردها نشان می‌دهد که فرا رفتن از سطح نظام فدرالی و تشکیل نظام کنفدرالی و در نهایت جدایی از عراق و ایجاد دولت کردی آرمان و هدف کلان کردها در منطقه است (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۴).

ج) اعراب سنی: به دلیل وضعیت ژئواکونومیک محل سکونت اهل سنت، تجزیه عراق به معنای محرومیت از نعمت نفت و دیگر درآمدهای سرشار جنوب و شمال است. کمبود منابع و وابستگی به بودجه دولت مرکزی یکی از موانع اصلی اهل سنت برای تلاش‌های واگرایانه است و این مانع نیز تأکیدی بر حفظ عراق واحد محسوب می‌شود. همچنین غالب سنی‌ها در قسمت‌های خشک و خالی از منابع طبیعی زندگی می‌کنند که در صورت تجزیه، آن‌ها منبعی برای کسب درآمد نخواهند داشت. به علاوه اهل سنت به لحاظ تاریخی خود را حاکم بر سرزمین عراق می‌دانند و نمی‌خواهند یک وجب آن را از دست بدهند. بنابراین اعراب سنی با وجود نارضایتی‌هایی که از وضعیت سیاسی پس از صدام دارند اما به دلایل مختلفی از تجزیه عراق نگران‌اند. (Anderson and estansfilld, 2014)

د) بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: جمهوری اسلامی ایران را بایستی به عنوان تأثیر گذارترین کشور منطقه در عراق به حساب آورد (Barbara, 2023). ایران دلایل مختلفی برای حمایت از عراق واحد و مخالفت با فدرالیسم گسترده، کنفدرالیسم و تجزیه عراق دارد. تأثیر فدرالیسم گسترده یا کنفدرالیسم و به ویژه تجزیه عراق بر تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی آن جدی است. به خصوص اینکه تشکیل دولت کردی در شمال عراق تأثیر مستقیمی بر گرایش‌های واگرایانه کردهای ایران می‌گذارد. حساسیت ترکیه در مورد تحولات عراق را همواره باید از دریچه موضوعات و مسائل کردی و تأثیر تحولات کردستان عراق بر کردهای ترکیه تحلیل کرد. ترکیه با وجود روابط سیاسی و اقتصادی قابل توجهی که با اقلیم کردی و بارزانی‌ها دارد اما همواره بر منافع راهبردی خود درباره حفظ عراق واحد و مخالفت با استقلال کردها تأکید کرده است. ترکیه ابزارهای لازم برای فشار به کردهای عراق را دارد از جمله راه ارتباطی عراق به اروپا، خطوط لوله انتقال انرژی و کنترل منابع آب دو رودخانه دجله و فرات که در مواقع لزوم می‌تواند از آن‌ها استفاده کند (Galbraith, 2013). عربستان نیز به عنوان مهم‌ترین بازیگر عربی در محیط پیرامونی عراق انگیزه چندانی برای حمایت از فدرالیسم، کنفدرالیسم یا تجزیه عراق ندارد و از

عراق واحد حمایت می‌کند. هویت عربی و خطرات تجزیه عراق بر تمامیت ارضی و امنیت ملی عربستان از جمله دلایلی است که باعث اتخاذ چنین رویکردی می‌شود. اهمیت هویت عربی برای عربستان به‌ویژه در برابر ایران و ترکیه از جمله مؤلفه‌هایی است که نگاه رهبران عربستان به تحولات جهان عرب از جمله عراق را اثرگذار می‌کند (Barbara, 2023). اسرائیل ضمن اینکه خواستار تجزیه کشوری بزرگ منطقه مانند عراق است اما باور دارد که پیدایش دولت مستقل گردد با تقویت ارتباطات بین اسرائیل و کردها باعث بهبود شرایط امنیتی اسرائیل خواهد شد. اهمیت برقراری روابط با قومیت‌ها و کشورهای غیر عرب منطقه برای اسرائیل در قالب راهبرد محورهای پیرامونی از جمله دلایل تمایل اسرائیل به ایجاد دولت مستقل کردی و تجزیه عراق است. بازیگران فرامنطقه‌ای را می‌توان آمریکا، روسیه و چین را نام برد. هر کدام از این قدرت‌ها اهداف خاص خود را در این کشور دنبال نموده، این کشورها همگی به استناد اهدافی که دارند به دنبال عراق منسجم می‌باشند (نورمحمدی و دمیرچی، ۱۴۰۳: ۵۲).

عدم قطعیت و سناریوهای پیش‌روی عراق در محیط نظام امنیت منطقه‌ای در دهه آینده

عواملی همچون جایگاه نیروهای داخلی در عراق، دولت مرکزی، کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین برآورد امکانات و راهبردهای موجود می‌توان تصویری از سناریوهای آینده نظام سیاسی عراق در محیط امنیت منطقه‌ای ارائه کرد. بنابراین از مجموع خواسته‌ها، اهداف، منافع و جایگاه سه سطح تحلیل (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) که اکنون در عراق دخیل هستند به دو عدم قطعیت اصلی رسیدیم که در تعیین آینده نظام سیاسی عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا نقش‌آفرینی می‌نمایند: ۱. اقتدار دولت مرکزی (یکپارچگی سیاسی و اجتماعی، تأثیر مثبت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اقتصاد، منابع و موقعیت ژئوپلیتیک و...) که درنهایت در محیط امنیت منطقه‌ای این کشور به دنبال موازنه (توازن قدرت) می‌باشد. آرامش و یکپارچگی اجتماعی و سیاسی در این کشور بر اساس مؤلفه‌هایی که دارد به موقعیت این کشور در محیط امنیت منطقه‌ای در دهه آینده کمک می‌کند؛ لذا بر این اساس منابع اقتدار دولت مرکزی به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی نظیر توانمندی نظامی، مشروعیت سیاسی، توانمندی اقتصادی، مدارای

قومی و مذهبی و میزان همگرایی گروه‌های مختلف با قدرت مرکزی پیوند خورده است. ۲. ضعف و اضمحلال گسیختگی دولت مرکزی (منازعات قومی - مذهبی و سیاسی، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای و...) یکی دیگر از عدم قطعیت‌های کلیدی است که آینده نظام سیاسی عراق در محیط امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا را معین می‌کند. در عدم قطعیت اول یعنی اقتدار دولت مرکزی شیعیان نقش اصلی را دارند اما در عدم قطعیت دوم نوع رویکردها و رفتارهای گروه‌های گُرد و اهل سنت بیشترین اثرگذاری را دارند.

الف) سناریوی تجزیه: دو مؤلفه اصلی این سناریو عبارت است از کاهش جدی اقتدار و حاکمیت دولت مرکزی و افزایش منازعات قومی، مذهبی و سیاسی. در این سناریو دولت مرکزی به تدریج قدرت و مشروعیت خود را از دست می‌دهد و توان اداره امور و مدیریت بحران‌های داخلی را ندارد و به تبع آن اثرگذاری خود را نیز در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا از دست می‌دهد. از اصلی‌ترین شاخصه‌ها در ارتباط با دولت مرکزی در این سناریو می‌توان بحران سیاسی، عدم همکاری بین احزاب و جریان‌های سیاسی برای تشکیل دولت مقتدر و فراگیر، تشدید فرقه‌گرایی سیاسی بر اساس پایگاه قومی و مذهبی، کاهش توان نظامی دولت مرکزی و افزایش توان و نقش گروه‌های شبه‌نظامی از جمله پیشمرگه و شبه‌نظامیان شیعی و سنی، شکل‌گیری بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی و تأمین نیازهای اقتصادی شهروندان و تضعیف هویت و اقتدار ملی را نام برد. در این سناریو دولت در نهایت سرنگون شده و به دست فرقه‌ها می‌افتد.

ب) سناریوی فدرالیسم: دو مؤلفه اصلی این سناریو را می‌توان افزایش اقتدار دولت مرکزی و افزایش منازعات قومی، مذهبی و سیاسی نام برد. در این سناریو اقتدار دولت مرکزی و ابزارهای سیاسی و نظامی - امنیتی و همچنین ظرفیت‌های اقتصادی مانع از رفتن عراق به سمت فروپاشی و تجزیه (سناریو اول) خواهد شد اما در عین حال تقویت هویت‌های قومی - فرقه‌ای، تشدید مرکزگرایی و افزایش تمایلات گروه‌های قومی و فرقه‌ای برای شکل‌دهی به موجودیت‌های سیاسی محلی یا خودگردانی محلی باعث می‌شود تا گزینه فدرالیسم به عنوان راه حلی جدی مورد توجه قرار گیرد. در حالی که منازعات قومی و مذهبی افزایش یافته است، توان و اقتدار دولت مرکزی مانع از آن می‌شود که بحران‌های اساسی در عراق ایجاد شود و بحران‌ها و

منازعات با راه حل فدرالیسم کنترل می‌شود. نکته مهم در این باره نگرانی بازیگران خارجی از گسترش منازعات درونی عراق به فراتر از مرزها است و امکان گسترش و سرایت بی‌ثباتی و منازعه به منطقه باعث می‌شود تا این بازیگران از دولت مرکزی حمایت نمایند؛ لذا درنهایت در این سناریو عراق در محیط امنیت منطقه‌ای تضعیف خواهد شد.

ج) سناریوی عراق منسجم: دو مؤلفه اصلی این سناریو شامل افزایش اقتدار دولت مرکزی و کاهش منازعات قومی، مذهبی و سیاسی می‌باشد. در این سناریو دولت مرکزی موفق شده ارکان قدرت خود را افزایش داده و به مشروعیت قابل توجهی دست یابد. در شرایطی که توان نظامی و امنیتی دولت مرکزی در سطح بالایی قرار دارد و با اصلاحات اقتصادی و ارائه خدمات دولتی وضعیت اقتصادی کشور بهبود یافته است و همچنین همگرایی و همکاری جریان‌های سیاسی نیز قابل ملاحظه است. حمایت خارجی از دولت مرکزی عراق به منظور حفظ ثبات و منطقه نیز به افزایش کارآمدی و مشروعیت دولت مرکزی می‌انجامد. برآیند اصلی این سناریو حرکت عراق از تداوم منازعات قومی، مذهبی و سیاسی و همچنین بی‌ثباتی‌های نسبی به سمت انسجام و وحدت ملی در حرکت است. منازعات نیز تدریجاً کاهشی و عراق در قالب نظام سیاسی دموکراتیک و پارلمانی به سمت شرایط باثبات‌تری در حرکت خواهد بود. اقلیم‌گردی با شرایطی که اکنون دارد نیز همچنان به عنوان تنها واحد فدرالی در کشور عراق ادامه حیات داده است و اختلافات بغداد و اربیل رو به کاهش خواهد رفت (اسدی و راستگو، ۱۳۹۸: ۱۶۴ - ۱۵۵).

الگوی ترتیبات امنیت منطقه‌ای برای دو کشور ایران و عراق (۲۰۲۵ - ۲۰۳۵)

الف) الگوی ثبات هژمونیک: این الگو موجب صف‌بندی مجموعه‌ای از کشورهایی که منافع مشترک دارند تا علیه مجموعه‌ای از کشورهایی که با منافع ملی آن‌ها در تضاد هستند و قصد دارند از طریق عملیات نظامی و یا فشار اقتصادی علیه آن‌ها سیاست بازدارندگی را اعمال کنند، اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال ایران و عربستان با توجه به تعریفی که از اسلام سیاسی دارند، الگوهای مختلفی از امنیت منطقه‌ای را در نظام سیاسی خود ترسیم می‌نمایند. این تئوری بدین معناست که مثلاً آمریکا با حمایت از عربستان قصد دارد تا توازن را در محیط امنیتی غرب آسیا برقرار کند.

چون توازن قوا در این محیط امنیتی موجب ثبات منطقه شده است و این کار به منظور بازدارندگی نقش سایر بازیگران منطقه ای خواهد بود (cats, 2019).

(ب) الگوی مشارکتی: اصولاً الگوی مشارکتی برای ارتباط بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته و قصد ایجاد اعتماد بین کشورهای منطقه ای را دارد. این موضوع می تواند از طریق مذاکره، همکاری و توافق میان بازیگران انجام شود. در واقع توسعه امنیتی بر اساس همکاری و توافق، روندی تکاملی است و از طریق شکل دادن به مجموعه ای از ابزارها که مشخصاً به اصول امنیت مبتنی بر همکاری کمک می کنند به دست می آید.

(ج) الگوی موازنه قدرت: در این الگو نظام امنیت منطقه ای متشکل از یک یا چند بازیگر همگرا با مشارکت قدرت های بزرگ شکل می گیرد و بر الگوی رقابت و منازعه تأثیر می گذارند. از این طریق الگوهای تعامل و کنش بازیگران در امنیت منطقه ای با تغییر ساختار نظام بین الملل دگرگون می شود. تولید و گسترش سلاح های پیشرفته و کشتار جمعی همراه با سامانه های موشکی کارآمد و پیشرفته، موازنه امنیت منطقه ای را دچار دگرگونی کرده است (محمدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۴۸).

(د) الگوی قدرت و هژمون منطقه ای: الگوی قدرت منطقه ای مفهومی است که پس از نظام دوقطبی مطرح شد. در نظام سلسله مراتبی جهانی قدرت های منطقه ای بازیگرانی هستند که جایگاه و کارکردشان حائز اهمیت است. این بازیگران در این بحث که در قالب نظریه مجموعه های امنیتی مطرح شده است، بین قدرت های بزرگ و ابرقدرت ها که در سطح جهانی عمل می کنند و در این عرصه اثرگذاری دارند و قدرت های منطقه ای که نفوذ آنها ممکن است در منطقه خود زیاد باشد اما در سطح جهانی مورد توجه قرار نمی گیرد، تمایز قائل می شوند (سلیمی، ۱۴۰۰: ۱۴۴). ایران به دلیل برخورداری از ظرفیت هایی همچون وسعت سرزمینی، جمعیت فراوان، منابع طبیعی کافی و متنوع، موقعیت جغرافیایی ویژه، توانمندی های نظامی و دفاعی و داشتن طرفداران زیاد در کشورهای هم جوار - خصوصاً کشورهای دارای مذهب تشیع - می تواند در صورت حضور پررنگ در منطقه ای امنیتی غرب آسیا، امنیت و ثبات و رشد اقتصادی را برای کشورهای منطقه و خودش با مشارکت کشورهای این حوزه به بار آورد. لازمه این مطلب داشتن راهبرد در حوزه های مختلف و تلطیف بعضی سیاست هایش است؛ لذا اگر ایران بر اساس راهبردهای تعریف شده حرکت نموده و در برخی

سیاست‌هایش تجدیدنظر نماید، می‌تواند در دهه آینده به هژمون منطقه‌ای دست یابد که هدف نهایی و غایی این کشور است (ایجابی و دیگران، ۱۴۰۲: ۹).

با توجه به ترتیبات محیط دفاعی - امنیتی و اهداف، منافع، پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار دو کشور ایران و عراق در دهه پیش‌رو در منطقه غرب آسیا، استراتژی دو کشور از چهار الگوی متفاوت پیروی می‌کند که عبارت‌اند از: الگوی ثبات هژمونیک، الگوی مشارکتی، الگوی موازنه قدرت، الگوی قدرت و هژمون منطقه‌ای. ایران هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه‌ها و جایگاهی که در منطقه دارد با طراحی استراتژی و راهبردهای متفاوت در پی حذف رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی و رسیدن به قدرت و هژمون منطقه‌ای (اجرای سناریوی دوم) طراحی نموده است. کشور عراق نیز هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه‌های موجود و جایگاه خود در پی الگوی مشارکتی و تا حدودی توازن قدرت (سناریوی عراق منسجم و تا حدودی فدرالیسم) طراحی نموده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شرایط محیطی (دفاعی - امنیتی) آینده در نظام منطقه‌ای غرب آسیا و وضعیت دو کشور ایران و عراق در این محیط و بازنمایی این تئوری می‌تواند گامی مؤثر در تحلیل وضعیت محیطی این منطقه باشد. نوآوری در بازنمایی وضعیت محیطی و آینده‌پژوهی بازنمایی شرایط محیطی در دهه‌ی آینده و تحلیل وضعیت منطقه‌ی غرب آسیا تخیلی است که ممکن است شرایط شبیه آن در آینده نمایان و به وقوع بپیوندد. جایگاه محیطی دو کشور ایران و عراق در نظام منطقه‌ای غرب آسیا در دهه‌ی پیش‌رو متفاوت از هم خواهد بود؛ زیرا استراتژی و اهداف طراحی شده دو کشور در محیط منطقه‌ای متفاوت و متضاد است. در این پژوهش به شیوه‌ی سناریونویسی (سناریوسازی) شوارتز و با اعمال تغییراتی، وضعیت محیطی (دفاعی - امنیتی) دو کشور ایران و عراق را در دهه پیش‌رو مورد تحلیل قرار دادیم و به نتایجی که بدان اشاره رفته است، دست یافتیم. با توجه به منافع، پیشران‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار ایران در محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در دهه پیش‌رو، به دو عدم قطعیت می‌رسیم: ۱. دوگانگی و ضعف دولت مرکزی (تجزیه، فشار و تحریم)؛ ۲. یکپارچگی دولت مرکزی (همسویی دیپلماسی و میدان).

سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از دو عدم قطعیت ذکر شده، اول سناریوی تجزیه و سرنگونی و دوم رسیدن به قدرت و هژمون منطقه ای بود. در مورد عدم قطعیت اول بایستی گفت که همان طور که در جنگ دوازده روزه ماه ژوئن سال ۲۰۲۵ میلادی دیدیم، دشمن (اسرائیل با همکاری و همدستی متحدانش از جمله آمریکا) با استفاده از نفوذ داخلی و فشار بیرونی در صدد دوگانگی داخلی و تجزیه و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی برآمد. در مورد عراق نیز با توجه به مؤلفه ها و پیشران های مؤثر دو عدم قطعیت طراحی شد؛ اقتدار دولت مرکزی (یکپارچگی) و ازهم گسیختگی همراه با ضعف دولت مرکزی (منازعات قومی و...). سناریوهای طراحی شده نیز با استفاده از عدم قطعیت های موجود شامل سناریوهای تجزیه، فدرالیسم و عراق منسجم بودند اما در بُعد محیط منطقه ای نیز یافته های پژوهش نشان دادند که ترتیبات محیطی (دفاعی - امنیتی) در دهه پیش رو در منطقه غرب آسیا از چهار الگوی متفاوت پیروی می کند؛ الگوی ثبات هژمونیک، الگوی مشارکتی، الگوی موازنه قدرت و الگوی قدرت و هژمون منطقه ای. در راستای این الگوها ایران هدف نهایی و غایی خود را با توجه به منافع، مؤلفه ها و جایگاهی که در منطقه دارد با طراحی استراتژی و راهبردهای متفاوت در پی حذف رقبای منطقه ای و بین المللی و رسیدن به قدرت و هژمون منطقه ای (اجرای سناریوی دوم) طراحی نموده است اما عراق با توجه به منافع، مؤلفه های موجود و جایگاه خود هدف نهایی و غایی خود را الگوی مشارکتی و تا حدودی توازن قدرت (سناریوی عراق منسجم و تا حدودی فدرالیسم) طراحی نموده است.

فهرست منابع

- احمدیان، مهدی (۱۴۰۳)، هم افزایی کاربردی بازی جنگ و آینده پژوهی، آینده پژوهی دفاعی، ۳ (۵)، صص ۲۰۵ - ۱۸۱.
- اسدی، علی اکبر و راستگو، محمد زمان (۱۳۹۸)، آینده نظام سیاسی عراق، پیشران ها و سناریوهای پیش رو، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۸ (۲)، (پیاپی ۳۰)، صص ۱۷۰-۱۴۹.
- الرواشدی، عبدالرحمن (۲۰۱۲)، العرب السنه فی العراق؛ تاریخهم - واقعهم - مستقبلهم، الرياض: مکتب مجله البیان.
- الزبیدی، حسن لطیف و العبادی، نعمه محمد و السعدون، عاطف لاف (۱۳۹۴)، عراق در جست وجوی آینده، ترجمه علی شمس، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

- ایجابی، ابراهیم و کولیوند، خلیل و متقی، حمید (۱۴۰۲)، تحلیل لایه‌لایه‌ای علل جنگ‌های آینده غرب آسیا، سیاست دفاعی، ۳۲ (۱۲۵)، صص ۱۹۵-۱۵۹.
- ترزم پور، محمد (۱۴۰۳)، آینده‌پژوهی روابط ایران و عربستان تا سال ۲۰۲۸، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶ (۲۰)، صص ۷۷-۱۱۰.
- خزلی، اکبر و شاه‌محمدی، محمد (۱۴۰۳)، سناریوهای آینده نظم امنیتی منطقه‌ی غرب آسیا در افق ۱۴۰۵، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶ (۱۹)، صص ۸۶-۵۵.
- سلیمی، جلال‌الدین (۱۴۰۰)، نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مهار بحران‌های امنیتی، محیط راهبردی، ۵ (۱۴)، صص ۱۷۴-۱۴۱.
- سیرکی، گارینه کشیشیان (۱۴۰۳)، نقش انرژی در همگرایی و امنیت منطقه غرب آسیا، با تأکید بر الگوی دوستی و دشمنی ایران و عراق در حوزه انرژی، غرب آسیا، ۲ (۱)، (۴).
- شوارتز، پیتر (۱۳۸۶)، هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای عدم قطعیت، تدوین: عزیز علیزاده و عبدالمجید کرامت زاده، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- علی یاری، حسن و رنجبر، محمدرضا (۱۴۰۳)، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه)، بحران پژوهی جهان اسلام، ۳ (۳۴)، صص ۲۱-۱.
- غفاری هشیجین، زاهد و نیکونهاد، ایوب (۱۴۰۱)، سناریوهای نظم منطقه‌ای خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰ با تأکید بر کنش‌گری ایران و عربستان، مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۵ (۱)، پیاپی (۵۷)، صص ۱۴۱-۱۰۹.
- فرهادی، فرشید و متقی، افشین (۱۴۰۳)، عربستان سعودی و معمای ایران سناریوی محتمل در افق ۲۰۳۰، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۳ (۵۰)، صص ۲۵۸-۲۱۳.
- کریمی پور، داود و رائیجی، سهراب (۱۴۰۲)، ایران و منطقه‌ی غرب آسیا، سناریوهای آینده، بازار فراورده‌های نفتی، آینده‌پژوهی راهبردی، ۲ (۸)، صص ۶۰-۲۹.
- گالبرایت، پیتر (۱۳۹۲)، پایان عراق؛ چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟ ترجمه محمد زمان راستگو و فرج‌الله اردیزی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، شهرام و جعفری پابندی، سید فرشید و خوش‌خطی، مهدی (۱۴۰۲)، ترتیبات امنیتی غرب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ایران از منظر مکتب کپنهاگ، سیاست متعالیه، ۱۱ (۴۳)، صص ۳۵۶-۳۳۹.
- موسوی، سیده مریم و قاسمی، فرهاد (۱۴۰۳)، جنگ‌های شبکه‌ای و بازدارندگی، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۳ (۵)، صص ۲۱۴-۱۷۵.
- میر حسینی، فرشته و عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۸)، سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰، مطالعات راهبردی بسیج، ۲۲ (۸۳)، صص ۱۶۹-۱۴۳.

- میرزایی کهق ، علی (۱۴۰۲) ، تحلیل توسعه جهانی فناوری های مرتبط با ریز پرنده ها در یک دهه آتی ، آینده پژوهی دفاعی ، ۸ (۲۸) ، صص ۵۵ - ۳۳ .
- نورمحمدی ، مرتضی و دمیرچی ، علیرضا (۱۴۰۳) ، عمل گرایی در سیاست خارجی عراق (۲۰۲۳ - ۲۰۰۵) ویژگی ها و پیامدها ، مطالعات سیاسی جهان اسلام ، ۱۳ (۳) ، پیایی (۵۱) ، صص ۷۳ - ۴۵ .
- Anderson, Liam and Gareth Stansfeilld (2014), The Future of Iraq: Dictatorship, Democracy or Division? Martin's Press.
 - Buzan, Barry (1991), People, state and fear: An Agenda For International Security Studies In The Past Cold War Era, London, Harvester; wheat sherf Publication.
 - Buzan Barry and Ole Weaver (2003) ,Regions And Powers: The Structure Of International Security, Cambridge University Press.
 - Buzan, Barry And Waver, Dewilde (1998),Regions And Powers The Structure Of International Security, New York: Cambridge University Press.
 - Borshechetskaya, A. (2022), Russia's Strategic Success in Syria and the Future of Moscow's Middle East Policy. Availablein: <https://www.lawfaremedia.org/article/russias-strategicsuccess-syria-and-future-moscows-middle-east-policy>.
 - cats, B. (2018), Axis Rising, Irans Evolving Regional Strategy And Non-State Partnerships in The Middle East. CSIS: Center For Strategic & International Studies.
 - Dacey, J.B. (2024), Beyond proxies: Iran's deeper strategy in Syria and Lebanon. Availablein:<https://ecfr.eu/publication/beyond-proxies-irans-deeper-strategy-insyriaandlebanon>.
 - Galbraith, Peter. (2013), the End of Iraq: How American Incompetence Created a War without End, translated by Mohammadzaman Rastgoo and Farajollah Ardizi, Tehran: The Center for Islamic Revolution Documents. (in Persian)
 - Schwartz, Peter. (2007), The Art of the Long View: Planning for the future in an uncertain world, Translated and Edited by: Aziz Alizadeh and Abdul Majid Keramatzadeh, Tehran: Defense Industry Research Institute, Science and Technology futurology defense Center. (in Persian).
 - Slavin, B. (2023), Iran is still the main foreign power in Iraq. Availablein: <https://www.ispionline.it/en/publication/iran-is-still-the-main-foreign-power-in-iraq-121476>.

